

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۹، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۷

صفحات ۷۳۳ تا ۷۵۳

نظام حقوقی حاکم بر قیمت‌شکنی در ایران و سازمان جهانی تجارت

امیرعباس علاءالدینی*

دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی

واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۰)

چکیده

یکی از اهداف مهم در تجارت بین‌الملل ایجاد فضایی مبتنی بر رقابت سالم است. در این راستا سازمان جهانی تجارت می‌کوشد تا از طریق موافقت‌نامه‌های خود با رویه‌های ضد رقابتی مقابله نماید. یکی از این رویه‌ها با عنوان قیمت‌شکنی قابل شناسایی است که در قالب تصویب موافقت‌نامه ضد قیمت‌شکنی مقررات آن در سازمان تدوین گردیده است. از سوی دیگر در ایران نیز مقرراتی در باب ممنوعیت قیمت‌شکنی در فصل نهم^۱ ق.ا.س.ک وضع شده است. با توجه به اینکه الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت سال‌ها مورد توجه بوده است، تبیین نظام حقوقی حاکم بر قیمت‌شکنی در ایران و سازمان جهانی تجارت ضروری می‌نماید تا ضمن شناسایی قواعد و مراجع ذی‌صلاح برای رسیدگی به نقض این قواعد در حقوق ایران و با توجه به وجود شرط مطابقت در سازمان یادشده و اهمیت تطبیق مقررات داخلی با مقررات سازمان، به این پرسش پاسخ داده شود که آیا موارد اختلاف مانعی بر سر راه الحاق محسوب می‌شود یا خیر.

واژگان کلیدی

الحاق ایران، حقوق رقابت، سازمان جهانی تجارت، قیمت‌شکنی.

Email: amirabbas_alaedini@yahoo.com

* فاکس: ۰۲۱۴۴۶۴۴۴۶۰

۱. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

مقدمه

وضع مقررات جدید در نظام حقوقی کشور و تأسیس نهادهای صلاحیت‌دار برای رسیدگی به نقض این قواعد امری است که گاه با توجه به تحولات موجود در روابط اشخاص غیرقابل انکار می‌نماید. توجه ویژه قانون‌گذار به سالم‌سازی رقابت در بازار از جمله این امور است که سبب شد مقرراتی در راستای مقوله خصوصی‌سازی در این زمینه تصویب گردد که این مقررات با عنوان «تسهیل رقابت» در فصل نهم ق.ا.س.ک قید گردید. از موضوعات مهم در حقوق رقابت، دامپینگ^۱ یا قیمت‌شکنی است که اهمیت تبیین نظام حقوقی حاکم بر آن در ایران و سازمان جهانی تجارت از دو منظر قابل بررسی است. نخست آنکه به سبب وجود مقررات نوین و مراجع صالح برای رسیدگی در نظام حقوقی ایران ابعاد مختلف موضوع و روشن نمودن آن‌ها ضروری می‌نماید. دیگر آنکه به دلیل تمایل ایران به الحاق به سازمان جهانی تجارت و اهمیت آن، توجه به مقررات موجود در این سازمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه سازگاری مقررات ملی با مقررات سازمان که شرط مطابقت^۲ خوانده می‌شود از موارد مهم به‌شمار رفته، کشورها برای عضویت در این سازمان اولاً ناگزیر از پذیرفتن اصول و مقرراتی هستند که در موافقت‌نامه‌های سازمان منعکس است و ثانیاً می‌بایست مقررات داخلی خود را با این اصول و موافقت‌نامه‌ها هماهنگ نمایند. لذا مسئله دارای اهمیت در فرایند الحاق همخوانی یا عدم همخوانی مقررات ایران با این موازین و تأثیر این الحاق بر مقررات داخلی است و در این میان مقررات مربوط به قیمت‌شکنی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رفتارهای ضد رقابتی در سازمان موافقت‌نامه ضد قیمت‌شکنی شمرده می‌شود.

این نوشتار به دنبال تحلیل این پرسش است که آیا عدم مطابقت‌ها میان مقررات ایران و سازمان مانع الحاق ایران تلقی می‌شود یا خیر.

بررسی نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت در زمینه قیمت‌شکنی

ماده ۶ گات که از سوی WTO نیز پذیرفته شده، قیمت‌شکنی را این‌چنین تعریف کرده است: «هرگاه تولیدات یک کشور با بهای نازل‌تر از قیمت نهایی تولید در داخل، به کشور دیگر صادر شود و قیمت کالای یادشده پایین‌تر از قیمت همان کالا در بازار داخل کشور واردکننده باشد، قیمت‌شکنی رخ می‌دهد».

1. Dumping
2. Conformity

۱. شرایط ماهوی تحقق قیمت‌شکنی

در بیان شرایط ماهوی، تبیین مواردی چون تشخیص قیمت‌شکنی، مفهوم خسارت وارده و اثبات رابطه سببیت دارای اهمیت است.

۱.۱. تشخیص قیمت‌شکنی

الف) قیمت صادراتی و ارزش عادی. فرض بر این است که قیمت صادراتی بهایی است که عملاً از سوی خریدار غیرمرتبط در کشور واردکننده برای محصولی که مورد اعتراض قرار می‌گیرد، پرداخت می‌شود. اما اگر برای مثال قیمت خرید شامل بیمه و حمل نیز باشد (CIF)، هزینه‌های این اقلام به دلیل مقایسه باید کسر شود، یا اگر محصول وارداتی خصوصیات یا هزینه‌هایی داشته باشد که در محصول فروخته‌شده در بازار داخلی در نظر گرفته نشده است، مانند ضمانت‌های برتر یا خدمات پس از فروش، این هزینه‌ها نیز از قیمت واقعی خرید کسر خواهد شد. رویه رایج فروش از طریق واسطه‌ها مسئله را مشکل‌تر می‌کند. معمولاً راه‌حل بستگی به رابطه میان واسطه و تولیدکننده/صادرکننده دارد. اگر واسطه شرکتی مستقل باشد، برای مثال، یک شرکت تجاری غیرمرتبط با تولیدکننده یا صادرکننده، قیمت صادراتی معمولاً از قیمت مؤثر پرداختی از سوی این واسطه استخراج می‌شود^۱.

توزیع‌کننده/واردکننده هزینه‌هایی را از جمله هزینه‌های فروش، حمل‌ونقل، بیمه و نیز عوارض و مالیات واردات متقبل می‌شود که تمام این هزینه‌ها از قیمت پرداختی از سوی خریدار مستقل کسر می‌شود تا قیمت فرضی صادراتی به‌دست آید و به دلیل احراز واقعیت و حاشیه قیمت‌شکنی با «ارزش عادی» مقایسه گردد؛ یعنی تفاوت میان این دو قیمت (قیمت صادراتی و ارزش عادی) پس از همه تعدیلهایی که صورت می‌پذیرد، در حاشیه قیمت‌شکنی است^۲. در مورد ارزش عادی هم مانند قیمت صادراتی برخی تعدیلهای باید صورت پذیرد. برای نمونه، جابه‌جا کردن نرخ ارز و هزینه‌هایی که در فروش داخلی تقبل نمی‌شود، نظیر حمل از کارخانه به بندر، باید به قیمت فروش داخلی افزوده شود تا محاسبه دقیق صورت پذیرد. همه این موارد مبتنی بر این فرض است که یک بازار داخلی نشانه وجود دارد و قیمتی که محصول در کشور واردکننده عرضه می‌شود با آن مقایسه گردد. اما اگر بازار واقعی در داخل موجود

1. Lowenfeld, A. F, "International economic law", London: Oxford University Press, 2008, p.227.

۲. شایان ذکر است از آنجا که قیمت پرداختی از سوی واردکننده وابسته غیرقابل اعتماد دانسته می‌شود، سود قابل انتساب به خرده‌فروشی نیز چنین تلقی می‌شود. لذا کمیسیون اروپا سودهای نشان‌داده شده در حساب‌های واردکننده را کنار می‌نهد و سودی معقول و قابل تخصیص به معامله مورد بحث منسوب می‌کند.

نباشد، چه باید کرد^۱؟ یا اگر قیمت بازار داخلی کاملاً هزینه‌های تولید را پوشش ندهد چگونه باید عمل کرد؟

بر اساس ماده الحاقی به ماده ۶ موافقت‌نامه گات ۱۹۹۴م، در مورد واردات از کشوری که در آن، امتیازات انحصاری تجاری وجود دارد و تمام قیمت از سوی دولت تعیین می‌شود، مشکلاتی در تعیین بهای قابل مقایسه وجود خواهد داشت و باید در نظر داشت در چنین کشورهایی مقایسه قیمت با بهای داخلی فروش محصولات امری قابل قبول نخواهد بود. این ماده الحاقی در گذشته برای نفعی هزینه‌ها و قیمت‌ها در کشورهای دارای «اقتصاد غیربازاری» استفاده می‌شد، چراکه قیمت‌ها در این کشورها از سوی دولت- نه از جانب خود بازار- تعیین می‌گردید. از آنجا که موافقت‌نامه در خصوص نحوه تعیین ارزش عادی در کشورهای با اقتصاد غیربازاری ساکت است، این امر در عمل بسیار متنوع است و بستگی به این دارد که کشور واردکننده کالای دامپ شده را چگونه تفسیر کند (Alston Philip, 2005, p.41-45). هر چند در این باره با توجه به قوانین ضد قیمت‌شکنی و سه نسل کد ضد قیمت‌شکنی، می‌توان پیشنهاد داد تا از دو معیار جانشین (Alford, 1987, p.373)، یعنی فروش به کشورهای ثالث (Lowenfeld, 2008, p.281) و ارزش فرضی استفاده شود.

ب) نرخ ارز. پس از همه محاسبات و تعدیل‌های پیچیده ناظر بر احراز تفاوت میان ارزش عادی و قیمت صادراتی، یک مسئله باقی می‌ماند و آن نوسانات نرخ ارز است. اگر هدف تحقیق قیمت‌شکنی تشخیص این باشد که آیا فروش خاصی در زمره تجارت منصفانه یا غیرمنصفانه بوده، نرخ ارز غالب در تاریخ فروش باید تعیین‌کننده باشد. این درحقیقت همان است که در ماده ۲(۴)(۱) موافقت‌نامه ضد قیمت‌شکنی آمده است. اما اینکه آیا تاریخ فروش به تاریخ قرارداد اطلاق می‌شود یا به تاریخ سفارش خرید یا تأیید سفارش و یا... روشن نیست (که به نظر چاره‌ای نیست جز اینکه با توجه به شرایط قرارداد و قانون حاکم، آن را تعیین نمود).^۲ فرض کنید فروشنده فرانسوی متعهد می‌شود محصول x را به‌طور فصلی و چهار ماه یک‌بار به خریدار ایرانی بفروشد و در زمان قرارداد هر ۱ واحد فرانسوی برابر ۴ واحد ایرانی باشد و قیمت قراردادی برای فروش به ایران (با حذف ارسال و جابه‌جایی) ۸۰۰ واحد ایرانی است. در اینجا تبعیض قیمتی وجود ندارد و قیمت‌شکنی در کار نیست. اما ۴ ماه بعد فرضاً نرخ ارز عوض شده است و ۴/۸ واحد ایرانی برابر با ۱ واحد فرانسوی می‌شود و ۲۰۰ واحد فرانسوی معادل ۸۸۰

۱. برای مثال، پرونده معروف به «گاری‌های برقی گلف» تولیدشده در لهستان که در زمان تحقیق، هیچ زمین گلفی نداشت. نک: Ibid, p.273

۲. در این باره باید بر اساس قانون حاکم زمان انعقاد قرارداد را معین نمود که می‌تواند برابر تئوری‌های موجود در نظام‌های حقوقی زمان اعلان قبول، ارسال، وصول یا اطلاع از قبول باشد.

واحد ایرانی گردیده است. در این فرض اگر قیمت محصول x در هر دو دور یکسان بماند، یعنی ۸۰۰ واحد در ایران و ۲۰۰ واحد در فرانسه، آیا قیمت‌شکنی رخ داده است؟ ماده ۲(۴)(۱) موافقت‌نامه ضد قیمت‌شکنی می‌گوید که نوسانات نرخ ارز نادیده گرفته خواهد شد، اما در عمل رکن استیناف رویکردی را که جامعه اروپا در این زمینه اتخاذ کرده بود و آن میانگین‌گیری بر اساس ماده ۲(۴)(۲) موافقت‌نامه بود، تأیید نمود.^۱

ج) ورود آسیب. محکوم کردن قیمت‌شکنی در ماده ۶ گات با این مقررہ تخفیف یافته است که عوارض ضد قیمت‌شکنی را فقط می‌توان با این یافته وضع کرد که واردات دامپینگ‌شده تهدیدکننده یا موجب صدمه اساسی به صنعت داخلی کشور واردکننده باشد (ماده ۶(۱) و ۶(الف) گات). در این راستا مشاهده می‌شود که ضد قیمت‌شکنی «آسیب» را تعریف نمی‌کند، اما می‌توان بر اساس پانوشتی به‌عنوان ماده ۳ که مقرر می‌دارد: «آسیب، جز در صورتی که به نحو دیگر تصریح شده باشد، به معنای آسیب اساسی به صنعتی داخلی، تهدید آسیب اساسی به صنعتی داخلی، یا تأخیر اساسی در تأسیس چنین صنعتی خواهد بود»، واژه «آسیب» در ماده ۶ گات و موافقت‌نامه یادشده را به معنای آسیب جدی به صنعت داخلی، خطر ایراد خسارت مهم به صنعت داخلی و یا تأخیر مهم در شکل‌گیری صنعت داخلی دانست (Palmetter, 2002, p.173).

مفهوم صنعت داخلی. بر اساس ماده ۴-۱ موافقت‌نامه، صنعت داخلی در واقع همان تولیدکننده(گان) داخلی محصول مشابه هستند. عملاً صنعت داخلی، همان نهادی است که درخواست شروع روند بررسی ضد قیمت‌شکنی را ارائه می‌دهد. البته بر اساس موافقت‌نامه، لحاظ نمودن تمام تولیدکنندگان محصول مشابه در مفهوم صنعت داخلی امری منطقی نیست، چراکه این تولیدکنندگان ممکن است مرتبط با صادرکنندگان یا واردکنندگان بوده یا خود واردکننده آن محصول دامپ‌شده باشند. تولیدکنندگان مرتبط ممکن است در کل سود حاصله از سوی تولیدکنندگان داخلی سهیم نباشند. برخی بر این نظرند که در اتحادیه‌های منطقه‌ای مانند مناطق تجارت آزاد یا اتحادیه‌های گمرکی همچون اتحادیه اروپا که بازار واحد متحد در مجموعه آن مستقر است، هر لطمه به صنعت موجود در آن اتحادیه، آسیب به همه دولت‌های عضو این اتحادیه محسوب می‌شود. به نظر ما این معنای صنعت داخلی دارای ایراد بوده، چراکه تفسیری موسع از صنعت داخلی است و عملاً برای تمامی اعضای اتحادیه‌های موصوف ایجاد حق طرح دعوا می‌نماید، در حالی که در واقع به علت عدم توجه واقعی ضرر به آن‌ها نباید صاحب این حق شوند. شایان ذکر است ماده ۳ موافقت‌نامه ۱۹۹۴م، همسو با قوانین اجرایی بیشتر کشورهای

1. European Communities – Anti Dumping Duties on Malleable Cast Iron Tube or Pipe Fitting from Brazil, WT/DS219/AB/R (22 July 2003).

دارای قوانین توسعه یافته ضد قیمت شکنی، حاوی فهرست‌هایی از عوامل ذی ربط است که باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد. این ماده بیان می‌دارد بررسی تأثیرات واردات دامپینگ شده بر صنعت داخلی شامل این موارد خواهد بود: «کاهش بالفعل و بالقوه فروش، سود، خروجی، سهم بازار، بهره‌وری، بازگشت سرمایه یا به کارگیری ظرفیت عوامل متأثرکننده قیمت‌های داخلی، آثار منفی بالفعل و بالقوه بر جریان نقدینگی، موجودی، اشتغال، دستمزدها، رشد، و توانایی افزایش سرمایه یا سرمایه‌گذاری‌ها» (ماده ۳(۴)).

دو پرسش در اینجا دارای اهمیت است: ۱. آیا حاشیه قیمت شکنی در تشخیص آسیب باید مؤثر واقع شود؟ ۲. آیا حجم واردات قیمت شکنی در این تشخیص اهمیت دارد؟ در پاسخ به این دو پرسش بیان می‌شود که پس از تصویب موافقت‌نامه دور اروگوئه و اصلاحات متناسب در قوانین، مقامات تحقیق کننده ملزم هستند حاشیه دامپینگ را مد نظر قرار دهند و اگر این حاشیه‌ها کمتر از ۲ درصد بود در همان ابتدا پرونده را رد کنند. به نظر می‌رسد که اتخاذ این روند شایسته و نزدیک به واقعیت است. از سویی برابر ماده ۵(۸) در صورتی که حجم واردات دامپینگ شده از کشور خاص کمتر از ۳ درصد واردات محصول از سوی دولت واردکننده باشد، معمولاً قابل اغماض تلقی می‌شود.

د) حاشیه قیمت شکنی یا حاشیه آسیب و محاسبه آن. در بعضی از نظام‌های قضایی، به ویژه ایالات متحده هنگامی که قیمت شکنی و آسیب احراز گردید، عوارض دامپینگ برابر با حاشیه دامپینگ باید بدون توجه به حجم واردات یا حاشیه آسیب وضع شود. در نظام‌های قضایی دیگر، از جمله استرالیا و جامعه اروپا، عوارض ضد قیمت شکنی باید به میزانی کمتر وضع شود، به شرطی که این میزان کمتر برای رفع آسیب به صنعت کشور واردکننده کفایت کند. موافقت‌نامه ضد دامپینگ دور اروگوئه در ماده ۹(۱) هرچند ترجیح را با رفع عوارض کمتر از حاشیه دامپینگ می‌داند، لیکن انتخاب میان دو رویکرد را به مقامات دولت واردکننده واگذار می‌کند.

۲.۱. مفهوم خسارت وارده

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان صرف تهدید و احتمال آسیب را مبنایی برای پذیرش قیمت شکنی دانست؟

پیش از پاسخ به پرسش پیش گفته لازم است بیان گردد که اصطلاح «خسارت وارده» در متن موافقت‌نامه، تنها به خسارت بالفعل وارد شده بر صنعت داخلی اشاره ندارد، بلکه می‌تواند خطر بروز آسیب مالی را نیز شامل شود. بر اساس ماده ۳-۷ موافقت‌نامه، این خطر باید بر اساس حقایق و شواهد صورت گیرد و حدس و احتمال نمی‌تواند توجیهی برای اعمال اقدامات ضد دامپینگ شود. همچنین ورود خسارت شامل مواردی می‌شود که شکل‌گیری صنعت داخلی

دچار اختلال یا تأخیر قابل توجه شده است. برای تأیید چنین رخدادی، شواهدی قطعی همچون طرح‌ها و نقشه‌های موجود برای ایجاد یا توسعهٔ صنعت موردنظر، اسناد مربوط به سفارش تجهیزات و ماشین‌آلات باید مورد توجه باشد (Van Den Bossche, 2007, p.532-534). اما در پاسخ به پرسش یادشده بیان می‌شود که هرچند اثبات تهدید صدمه در مقابل اثبات ورود آسیب به‌ندرت صورت می‌گیرد، لکن موافقت‌نامهٔ ضد دامپینگ دور اروگوئه با تکرار متن کدهای قبلی بیان می‌دارد: «تغییر اوضاع و احوال که ممکن است وضعیتی را ایجاد کند که در آن قیمت‌شکنی سبب ایراد آسیب اساسی شود، باید هم به‌وضوح پیش‌بینی گردد و هم قریب‌الوقوع باشد». در این خصوص رشته‌ای از عوامل را در مادهٔ ۳(۷) بیان می‌کند که مقامات باید در رسیدن به قریب‌الوقوع بودن صدمهٔ اساسی در نتیجهٔ قیمت‌شکنی مورد توجه قرار دهند^۱. گفتنی است که موافقت‌نامهٔ ضد دامپینگ (در مادهٔ ۳) تأخیر اساسی در استقرار صنعتی داخلی را به‌عنوان صدمه در پانوشت مربوط به مادهٔ راجع به تخصیص آسیب بیان می‌کند.

۳.۱. اثبات رابطهٔ سببیت

طبق قواعد مسئولیت مدنی این امری واضح است که میان ضرر وارده و فعل زیان‌بار باید رابطهٔ سببیت وجود داشته باشد. موافقت‌نامه مقرر می‌دارد که رابطهٔ علی بین واردات زیر قیمت و لطمه به صنعت داخلی باید ثابت شود. برابر بند ۳ مادهٔ ۳ موافقت‌نامه، عواملی که ممکن است به زمینهٔ احراز رابطهٔ سببیت مربوط باشند، عبارت‌اند از: حجم و قیمت آن بخش از واردات که زیر قیمت فروخته نشده‌اند؛ کاهش تقاضا یا تغییر در الگوهای مصرف؛ رویه‌های محدودکنندهٔ تجارت تولیدکنندگان خارجی و داخلی و رقابت میان آن‌ها؛ پیشرفت‌های فناوری و عملکرد صادراتی و بهره‌وری صنعت داخلی. موافقت‌نامه مقرر می‌دارد که آسیب‌های ناشی از عوامل دیگر نباید به واردات زیر قیمت نسبت داده شود (دژم‌خوی، ۱۳۸۵، ص ۳۹۷).

۲. شرایط شکلی در دعوی ضد قیمت‌شکنی

با اینکه موضوع واگذاری تشخیص‌های مربوط به ضد قیمت‌شکنی به مقامات ملی کشور واردکننده در کدهای پی‌اپی ۱۹۶۷، ۱۹۷۹ و ۱۹۹۴ حفظ شده، لیکن برای کم کردن اثر حمایت‌گرایانهٔ مقامات کشور واردکننده، شرایطی شکلی نیز برای طرح این دعوی مقرر گردیده است که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

1. See: Vermulst and Waer, EC Anti - Dumping Law and Practice, n. 20 supra, 313 – 314, summarizing EC practice from 1980 to 1996.

الف) داشتن سِمَت. بندهای ۱ و ۶ از ماده ۶ گات، وضع عوارض ضد قیمت شکنی را بر صدمه به یک صنعت و نه صرفاً بنگاه خاص یا گروهی از بنگاه‌ها مشروط می‌کند. یکی از اولین مقررات شکلی که در کد ۱۹۶۷ پدید آمد و با تغییراتی مختصر در کدهای بعدی برقرار ماند، این بود که شروع تحقیقات مستلزم تقدیم دادخواست از جانب صنعت متأثر شده است (ماده ۵(۴) کد ۱۹۹۴). در عمل شکایت‌های ضد قیمت شکنی از سوی آحاد بنگاه‌ها یا گروهی از بنگاه‌ها در یک صنعت امکان پذیر است، چراکه شاید همه بنگاه‌ها نخواهند به دلایل گوناگون به شکایت ملحق شوند. البته کد ۱۹۹۴ حداقلی را معین نموده است و آن اینکه برابر ماده ۵(۴) تحقیق فقط در صورتی می‌تواند پیش رود که مورد حمایت بیش از ۵۰ درصد کل تولید بنگاه‌هایی باشد که این موضع را گرفته‌اند؛ مشروط بر اینکه تولیدکنندگان حداقل ۲۵ درصد کل تولید داخلی محصول، از دادخواست حمایت کنند (لوفلد، ۱۹۳۰م، ص ۳۱۵-۳۱۴).

ب) یافته اولیه آسیب. در راستای جلوگیری از طرح دادخواست‌های غیرواقعی، کد ۱۹۶۷ مقرر می‌داشت که با آغاز تحقیق، دلایل و شواهد مربوط به قیمت شکنی و آسیب باید هم‌زمان در تصمیم پیرامون آغاز شدن یا نشدن تحقیق مورد توجه قرار گیرد. مقررۀ یادشده در کد ۱۹۶۷ در کدهای بعدی نیز حفظ شد، ولی ماده ۵ موافقت‌نامه ۱۹۹۴م جزئیات اطلاعاتی را که باید همراه دادخواست ضد قیمت شکنی تسلیم شود، مشخص می‌کند و مقرر می‌دارد که ادعای ساده بدون آنکه با ادله ذی‌ربط تقویت شود، نمی‌تواند کافی تلقی شود.

نکته دارای اهمیت این است که در صورتی که تحقیقات مقدماتی مربوط به فروش به کمتر از ارزش عادی و نیز آسیب به صنعت داخلی به یافته‌هایی مثبت بینجامد، کشور واردکننده می‌تواند از ارزیابی خودداری ورزد یا تصفیۀ گمرکی کالای مورد بحث را معلق سازد، و عوارض ضد قیمت شکنی موقت مبتنی بر میانگین موزون تخمینی حاشیۀ قیمت شکنی را وضع کند. البته باید توجه شود طبق ماده ۷(۴) موافقت‌نامه، اجرای اقدامات موقت به «کوتاه‌ترین زمان ممکن» محدود خواهد بود و از چهار ماه تجاوز نخواهد کرد؛ مگر اینکه صادرکنندگان (برای تکمیل لایحه خود در مخالفت با عوارض ضد قیمت شکنی) درخواست تمدید کنند.

ج) گردآوردن واقعیات یا تحقیق. با توجه به اینکه در پرونده‌های ضد قیمت شکنی لازم است قیمت‌ها در کشور واردکننده با قیمت‌های بازار داخلی یا هزینه‌ها در کشور صادرکننده و در مواردی در بازارهای خارجی دیگر مقایسه شود، لذا اداره کردن برنامه ضد دامپینگ ناگزیر مستلزم جمع‌آوری اطلاعاتی از کشورهای خارجی است. الگوی متداول در تحقیقات ضد قیمت شکنی این است که کمی پس از دریافت دادخواست اولیه و اسناد مؤید از سوی مقامات کشور واردکننده، آنان پرسش‌نامه مفصلی به صادرکنندگان، واردکنندگان و تولیدکنندگان ارسال می‌کنند و معمولاً ظرف ۳۰ روز از آنان پاسخ (اختیاری) می‌خواهند. بدیهی است

همچنان که مقررات جامعه اروپا نیز گفته است، اگر طرف ذی‌نفع همکاری نکند ممکن است نتیجه برای خودش نسبت به موقعی که همکاری می‌کرد، نامطلوب‌تر باشد (ماده ۱۸(۶)). پس از ارائه پاسخ به پرسش‌نامه‌ها مقامات تحقیق‌کننده نوعاً نه تنها با رجوع به آمار منتشرشده، بلکه از طریق بررسی در محل، اقدام به راستی‌آزمایی اطلاعات ارائه‌شده می‌کنند.

د) شفافیت و حق استماع. موافقت‌نامه ۱۹۹۴م ضد دامپینگ (در ماده ۶) مقرر می‌دارد که همه طرف‌های ذی‌نفع می‌توانند از اطلاعات لازم در تحقیق آگاه باشند و (با رعایت رازداری) باید ادله‌ای که به صورت مکتوب از سوی یک طرف ارائه شده است، فوراً در اختیار سایر طرف‌های ذی‌نفع شرکت‌کننده در تحقیق قرار گیرد و فرصت جواب به آنان داده شود. طرف‌های ذی‌نفع حداقل شامل صادرکنندگان یا تولیدکنندگان خارجی و یا اتحادیه تجاری ذی‌ربط، دولت صادرکننده، تولیدکنندگان محصول مشابه در کشور واردکننده یا اتحادیه تجاری این تولیدکنندگان می‌شود (لوفلد، ۱۹۳۰م، ص ۳۲۰).

شایان ذکر است که موافقت‌نامه جلسات استماع اظهارات را لازم نمی‌شمارد، ولی مقررات جامعه اروپا، ایالات متحده و بسیاری از کشورهای دیگر آن را الزامی می‌دانند. همه قواعد حقوقی مربوط به قیمت‌شکنی بر این فرض استوار است که کالای کشور X در کشور Y به قیمتی که ادعای غیرمنصفانه بودن آن وجود دارد و موجب آسیب به صنعت کشور Y می‌گردد، فروخته می‌شود. اما گاهی این امکان هست که وقتی کالای کشور X در کشور Y زیر ارزش عادی فروخته می‌شود، تولیدکنندگان و صادرکنندگان کشور Z صدمه ببینند. در این خصوص ماده ۱۴ موافقت‌نامه مقرر می‌دارد که مقامات کشور Z می‌توانند از مقامات کشور Y بخواهند دعوایی ضد قیمت‌شکنی علیه واردات از کشور X آغاز کنند، لذا تصمیم به چنین کاری (منوط به اینکه با شورای تجارت کالای سازمان مشورت کنند) در اختیار مقامات کشور Y است. در پایان به دلیل اینکه عوارض ضد قیمت‌شکنی عملاً به حمایت‌گری دائمی تبدیل نشود، موافقت‌نامه ضد دامپینگ دور اروگوئه بررسی دوباره ادواری برای دوام یا خاتمه عوارض ضد قیمت‌شکنی را در ماده ۱۱(۴) منظور داشته است. همچنین این موافقت‌نامه می‌گوید که هرگونه عوارض قطعی ضد قیمت‌شکنی حداکثر پس از پنج سال از وضع آن، یا از آخرین تجدیدنظر آن (در صورتی که این تجدیدنظر هم شامل دامپینگ و هم صدمه بوده باشد) خاتمه خواهد یافت (ماده ۱۱(۳))؛ مگر اینکه مقامات تشخیص داده باشند که انقضای عوارض ممکن است به استمرار یا وقوع مجدد دامپینگ و آسیب منجر گردد که عوارض تا معلوم شدن نتیجه این بررسی به قوت خود باقی خواهد ماند.

۳. حل و فصل اختلافات^۱

تصمیم اساسی که در مورد موضوع قیمت‌شکنی در ابتدای گات در دهه ۱۹۴۰م گرفته شد این بود که دولت‌های واردکننده قواعد را اداره و اجرا خواهند کرد و در این راستا دولت‌ها ملزم نبودند مقررات ضد قیمت‌شکنی را تصویب کنند. لیکن دولت‌هایی که مقرراتی وضع کردند ملزم بودند از مجموعه شرایط مربوط به سمت داشتن، ارزیابی تبعیض قیمت، آسیب و سببیت و نیز مقررات شکلی از جمله تجدیدنظر قضایی تبعیت کنند (لوفلد، ۱۹۳۰م، ص ۳۲۵).

موافقت‌نامه دور اروگوئه در خصوص حل و فصل رسمی اختلافات کمیته ضد قیمت‌شکنی را مسئول حل اختلاف نمی‌داند، ولی اعضای متنازع را مستقیم به تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات ارجاع می‌دهد. آیین‌های مقرر در تفاهم‌نامه- مشورت، تشکیل هیئت، آیین‌های هیئت‌ها، مهارت‌های زمانی، استیناف‌ها و تصمیمات- همگی نسبت به حل اختلاف به‌موجب موافقت‌نامه ضد دامپینگ، قابل اجرا است.

بند ۶ ماده ۱۷ موافقت‌نامه ضد دامپینگ بیان می‌دارد: «طبق بند ۵ ماده ۱۷ موافقت‌نامه یادشده، رکن حل و فصل اختلاف بنابه درخواست طرف شاکی، هیئتی را برای بررسی موضع بر اساس این موارد تشکیل خواهد داد: الف) اظهاریه کتبی عضو درخواست‌کننده که نشان می‌دهد منافع مستقیم یا غیرمستقیمی که مطابق موافقت‌نامه حاضر به وی تعلق می‌گیرد چگونه از میان رفته یا لطمه دیده است و یا مانعی برای دستیابی به اهداف موافقت‌نامه ایجاد شده است. ب) واقعیاتی رخ داده که بر اساس آن‌ها مطابق آیین‌های داخلی این اختیار به مقامات دولت عضو واردکننده داده شده است».

در این خصوص برابر ماده ۱۱ تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات، کارکرد هیئت عبارت است از: «ارزیابی عینی موضوع مطروح نزد آن، از جمله بررسی عینی پرونده و قابلیت اعمال موافقت‌نامه‌های ذی‌ربط تحت پوشش و مطابقت با آن‌ها».

بند ۶ ماده ۱۷ در مقام بررسی موضوع یادشده در بند ۵ این ماده بیان می‌دارد:

«الف) هیئت حل اختلاف، در ارزیابی واقعیات مسئله تشخیص خواهد داد که آیا احراز واقعیات از ناحیه مقامات درست بوده است یا خیر و آیا ارزیابی آنان از این واقعیات بدون جانب‌داری و عینی بوده است یا خیر. چنانچه احراز واقعیات درست بوده و ارزیابی بدون جانب‌داری و عینی بوده باشد، حتی اگر هیئت به نتیجه متفاوتی رسیده باشد این ارزیابی نقض نخواهد شد؛

۱. در این نوشتار به سبب محدودیت کمی، امکان تبیین مبسوط سازوکار حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت میسر نیست و لذا برای مشاهده این مباحث، ر.ک. علاءالدینی، ۱۳۹۴، ص ۲۹۵ به بعد.

ب) هیئت حل اختلاف مقررات ذی‌ربط موافقت‌نامه حاضر را مطابق با قواعد عرفی در حقوق بین‌الملل عمومی تفسیر خواهد کرد. در مواردی که هیئت نظر می‌دهد که مقررهای ذی‌ربط از موافقت‌نامه تاب بیش از یک تفسیر مجاز را دارد، در صورتی که اقدام مقامات مبتنی بر یکی از این تفسیرهای مجاز باشد، آن را مطابق موافقت‌نامه خواهد یافت.»

در مقام تفسیر حقوقی می‌توان بیان کرد که جمله اول ماده ۱۷(۶) (ب) به بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات ارجاع می‌دهد که مقرر می‌دارد: «معاهده با حسن‌نیت مطابق معنای عادی واژه‌های معاهده در سیاق آن‌ها و در پرتو موضوع و هدف تفسیر خواهد شد.» تجدیدنظرخواهی. در کدهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۹ چیزی در مورد تجدیدنظرخواهی گفته نشده بود. لیکن موافقت‌نامه ۱۹۹۴ ضد دامپینگ در ماده ۱۳ مقرر می‌دارد: «هر دولت عضو سازمان که قوانین ضد قیمت‌شکنی دارد، محاکم یا آیین‌های قضایی، داوری یا اداری، از جمله به‌منظور تجدیدنظر سریع اقدامات اداری مربوط به تشخیص‌ها و بررسی‌های نهایی، خواهد داشت.» از سوی ماده ۱۱-۲ موافقت‌نامه بیان می‌کند تصمیماتی که در پایان دعوای ضد قیمت‌شکنی اتخاذ می‌شود، قابل تجدیدنظرخواهی است و تقاضای تجدیدنظر از مقامات کشور واردکننده به‌عمل خواهد آمد. همچنین طبق موافقت‌نامه اگر مدت معقولی از تاریخ وضع عوارض قطعی ضد قیمت‌شکنی گذشته باشد، به تقاضای هر ذی‌نفع که اطلاعات مثبتی دال بر نیاز به تجدیدنظر ارائه دهد، تجدیدنظرخواهی انجام خواهد شد. موافقت‌نامه درخواست ذی‌نفع را برای تجدیدنظر مشروط به مدت معقولی نموده است ولی در مورد اینکه چه مدتی معقول است، ساکت می‌باشد. این مسئله باعث می‌شود عوارض وضع شده از سوی مرجع تحقیق، مدت‌ها قابل اعتراض باشد و قطعیت تصمیم صادره را متزلزل می‌نماید و به‌طور قطع این نقیصه‌ای مهم بوده که امید است در نشست‌های بعدی اصلاح گردد (Lowenfeld, 2008, p.273-302). لذا مشاهده گردید که موافقت‌نامه مقرراتی در مورد قلمرو تجدیدنظر - یعنی امور موضوعی و نیز حکمی، یا انطباق با موافقت‌نامه - و نیز معرفی مرجع تجدیدنظرخواهی ندارد، ولی این اصل را بیان نموده است که مقام رسیدگی به درخواست تجدیدنظر باید مستقل از مقامات مسئول تشخیص موضوع بوده باشد.

۴. راهکارهای مقابله با قیمت‌شکنی

پس از انجام تحقیقات کامل و اثبات وقوع قیمت‌شکنی، کشور زیان‌دیده از قیمت‌شکنی می‌تواند تقاضای انجام مقابله با آن را داشته باشد. موافقت‌نامه ضد دامپینگ راه‌های مقابله با قیمت‌شکنی را معین می‌کند و یکی از این راه‌ها، ارائه چارچوبی برای تدوین قوانین ملی ضد قیمت‌شکنی (وضع عوارض متقابل) در کشورهای عضو است. رویه‌های بین‌المللی از یک سو و

منافع ملی از سوی دیگر، وجود قوانین ملی در این زمینه را ضروری ساخته است و لذا دولت‌ها بر تدوین مقررات ملی اثربخش و سازگار با مقررات سازمان کوشیده‌اند. سازگاری مقررات ملی با مقررات سازمان که شرط مطابقت خوانده می‌شود و از الزامات کشورهای عضو به‌شمار می‌آید، مانعی برای اعمال ملاحظات و لحاظ کردن سیاست‌های یک کشور شمرده نمی‌شود. لذا تصمیم نهایی در خصوص وضع و همچنین میزان عوارض با مقامات کشور واردکننده است. قاعده این است که مبلغ عوارض ضد قیمت‌شکنی از حاشیه آن تجاوز نکند؛ ضمن اینکه موافقت‌نامه استفاده از قاعده عوارض کمتر را نیز تشویق می‌کند. بر اساس این رویکرد، حتی پس از اینکه احراز گردید واردات زیر قیمت موجب آسیب به صنعت داخلی هستند، تصمیم در مورد اینکه مقدار عوارض، معادل کل حاشیه قیمت‌شکنی یا کمتر از آن باشد، از سوی مقامات دولتی مربوط انجام می‌گیرد. از طرف دیگر، لازم است که مبالغ عوارض ضد قیمت‌شکنی حتی‌الامکان به صورت جداگانه برای هر صادرکننده یا تولیدکننده تعیین شود. شایان ذکر است که موافقت‌نامه ۱۹۹۴م با توجه به اصل آزادی تجارت و استثنایی بودن وضع عوارض یادشده، یک قاعده کلی مقرر می‌دارد که «عوارض ضد قیمت‌شکنی تنها تا مدت و اندازه‌ای اجرا خواهد شد که برای مقابله با قیمت‌شکنی ایجادکننده لطمه، ضروری باشد». موافقت‌نامه برای جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی کشورها و ممانعت از اینکه کشورها به بهانه خنثی شدن اثر قیمت‌شکنی، عوارض اضافی را سال‌های متمادی اعمال نمایند، در ماده ۱۱-۳، مدت مجاز اعمال عوارض قطعی را حداکثر ۵ سال از تاریخ اعمال یا از تاریخ آخرین تجدیدنظر مطابق بند ۲ (در صورتی که تجدیدنظر، هم قیمت‌شکنی و هم خسارات را شامل شود) تعیین کرده است که پس از آن لغو می‌شود. موافقت‌نامه همچنین اجازه می‌دهد هنگامی که مقامات تحقیق‌کننده تشخیص دهند که اقدامات موقتی برای جلوگیری از وارد آمدن لطمه در جریان تحقیقات ضروری است، این قبیل اقدامات موقتی را به شکل حقوق و عوارض و ترجیحاً سپرده نقدی یا ضمانت‌نامه اتخاذ نمایند. با این همه، این قبیل اقدامات موقتی تنها باید پس از تشخیص مقدماتی مثبت مقامات تحقیق‌کننده، دال بر وجود قیمت‌شکنی و لطمه ناشی از آن به صنعت داخلی اتخاذ شود که جز در شرایط خاص، مدت آن از ۴ ماه تجاوز نخواهد کرد.

از جمله مشکلاتی که ممکن است پس از خاتمه رسیدگی و وضع عوارض ضد دامپینگ بروز کند، «طفره فریب‌کارانه»^۱ است. طفره فریب‌کارانه دور زدن و فرار از عوارض ضد دامپینگ از طریق شیوه‌های متقلبانه است؛ مانند وارد کردن قطعات و سوار کردن آن‌ها (مونتاز محصول) و یا اعمال تغییرات اندک در محصول و یا تجزیه محصول از سوی صادرکننده؛ یعنی محصول صادراتی را به جای صدور در قالب یک محصول ترکیبی به قطعات مختلف تجزیه کرده، همان

1. Anti-circumvention

محصول را در قالبی متفاوت صادر کند. نگرانی در خصوص این موضوع در اواخر دهه ۱۹۸۰م، اتحادیه اروپا و آمریکا را به وضع قوانین ملی در این زمینه برانگیخت و حتی در مذاکرات دور اروگوئه و نشست مراکش نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت، ولی هیچ‌گونه توافقی نسبت به آن حاصل نشد. در پایان، شایان ذکر است که نوعی قیمت‌شکنی اکنون در حال رواج است که در آن، محصول به‌جای تولید در یک کشور در چند کشور تولید می‌شود و بنابراین، مشخص نیست محصول نهایی در چه کشوری ساخته شده است (کشور مبدأ کجاست). در این نوع دامپینگ تولیدکننده در صدد است با درگیر کردن چند کشور و سخت کردن تعیین کشور مبدأ و مقصد و تعیین قیمت‌ها، کالا را از شمول دامپینگ خارج سازد و متأسفانه در مقررات سازمان در تعریف دامپینگ اشاره‌ای به این نوع دامپینگ نشده است.

نظام حقوقی قیمت‌شکنی در ایران

۱. مفهوم قیمت‌شکنی و مواد قانونی مرتبط در حقوق ایران

با مشاهده مقررات ایران مشابه عبارت قیمت‌شکنی را با عناوینی چون «غارتگری قیمتی، قیمت‌گذاری تهاجمی و یا رفتار غارتگرانه» می‌توان ملاحظه نمود. در این خصوص مواد قانونی در مقررات ایران که به‌طور صریح یا ضمنی به مقوله دامپینگ اشاره کرده‌اند، عبارت‌اند از:

- ماده ۷ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰ش: «هرگاه کالایی با قیمت نامتناسب یا تسهیلات غیرعادی از کشوری برای ورود به ایران عرضه شود (دامپینگ) و این عمل برای اقتصاد کشور رقابت ناسالم تلقی گردد، هیأت وزیران می‌تواند در هر موقع بنا به پیشنهاد وزارت اقتصاد برای ورود کالای مزبور از آن کشور سود بازرگانی ویژه‌ای برقرار کند».
- تبصره ۲۴ قانون برنامه دوم توسعه: در مواردی که فروشندگان خارجی کالایی را با قیمتی غیرواقعی و پایین‌تر از قیمت حقیقی عرضه کنند (قیمت‌شکنی)، دولت بر اساس اعتراض تولیدکنندگان داخلی، قیمت پایه بر گمرک ارائه داده، گمرک مبلغ دریافتی خود را بر اساس مبلغ پایه محاسبه و آن را به اضافه قیمت خرید مندرج در اسناد خرید و قیمت پایه از واردکنندگان وصول می‌کند.
- ماده واحده مربوط به قانون تعیین حقوق گمرکی و سود بازرگانی مصوب ۱۳۷۳ش: «دولت اجازه دارد نسبت به سود بازرگانی کالاهای وارداتی به نحوی تجدیدنظر کرده و اولویت قائل شود که ضمن حمایت مؤثر از تولیدات داخلی... موجبات تحقق درآمدهای مالیاتی حاصل شود».

- بند «د» ماده ۴۴ ق.ا.س.ک، که بحثی با عنوان ممنوعیت «قیمت گذاری تهاجمی» دارد.

چنان که ملاحظه می شود، تا قبل از تصویب ق.ا.س.ک قانون گذار به بیان چند ماده کلی اکتفا کرده و از ورود به مباحث مربوط به شرایط، دعاوی و چگونگی رسیدگی به آن خودداری ورزیده و آن را تابع اصول کلی دادرسی قرار داده است.

بند «د» ماده ۴۴ ق.ا.س.ک، قیمت گذاری تهاجمی را که به عنوان یک عمل مخل رقابت تلقی می شود، ممنوع اعلام داشته، بیان می دارد، ممکن است این عمل از دو طریق محقق شود: الف) عرضه کالا یا خدمات به قیمتی پایین تر از هزینه تمام شده آن به نحوی که لطمه جدی به دیگران وارد کند یا مانع ورود اشخاص جدید به بازار شود. ب) ارائه هدیه، جایزه، تخفیف یا امثال آن که موجب وارد شدن لطمه جدی به دیگران شود^۱.

ملاحظه می شود که عنوان قیمت گذاری تهاجمی در ق.ا.س.ک، اعم از مفهوم قیمت شکنی در سازمان است. به عبارت دیگر، قیمت گذاری تهاجمی از طریق یکی از دو بند پیش گفته محقق می شود. لذا اولاً بند نخست با مفهوم قیمت شکنی در مقررات سازمان - فروش کالای خارجی در داخل کشور پایین تر از ارزش معمولی - تطبیق کامل ندارد؛ چراکه مفهومی وسیع تر بوده، شامل عرضه کالا یا خدمات ساخت داخل در داخل کشور و نیز عرضه کالا یا خدمات تولید خارجی در داخل نیز می باشد. ثانیاً بند دوم نیز در تعریف قیمت شکنی مورد نظر سازمان نمی گنجد و فروش زیر قیمت تمام شده محسوب نمی شود (هرچند می توان گفت عملاً نتیجه بند دوم یعنی دادن هدیه، جایزه و تخفیف و امثال آن نیز همان قیمت شکنی خواهد بود).

۲. بررسی ابعاد مختلف مقررات قیمت گذاری تهاجمی در ایران

با ملاحظه مقررات موجود در ق.ا.س.ک، موارد زیر برای تطبیق با مقررات سازمان جهانی تجارت دارای اهمیت است:

۱. قانون گذار برای تعیین تکلیف شفاف و سریع عبارت «لطمه جدی»، به موجب تبصره ماده یاد شده شورای رقابت را به عنوان مرجع تشخیص آن معرفی کرده است. اما پرسش این است که آیا تهدید به لطمه جدی (موضوع ماده ۶(۱) گات) و آیا حجم واردات قیمت شکنی در این تشخیص دارای اهمیت است؟ در مقام پاسخ به این پرسش بیان می شود که به نظر این مسئله از جمله اختیارات شورای رقابت است، هرچند به علت عدم وضوح آن در قانون، متأسفانه عملاً اسبابی برای سلیقه محوری در تصمیمات شورای رقابت ایجاد می شود.

۱.۲. طریق رسیدگی

هرچند در جزئیات شیوه رسیدگی تفاوت‌هایی میان مقررات سازمان و ق.ا.س.ک و مقررات عمومی طرح دعوی در ایران مشاهده می‌شود، لیکن در کلیاتش تفاوت بارزی مشهود نیست، زیرا در هر دو، عملاً درخواست، جمع‌آوری اطلاعات، احراز ورود آسیب، اثبات رابطه سببیت و در نهایت صدور تصمیم وجود دارد. البته امکان، شرایط و ویژگی‌های تجدیدنظرخواهی در مقررات سازمان دارای ابهامات قابل ملاحظه‌ای است، لیکن در ق.ا.س.ک در مواد ۶۳ به بعد ضمن پیش‌بینی امکان تجدیدنظرخواهی از تصمیمات شورای رقابت، به بیان مهلت تجدیدنظرخواهی و اعضای مرجع تجدیدنظر و نحوه رسیدگی و تصمیم‌گیری در این مرجع پرداخته است. شایان توجه است که با استناد به ماده ۷۱ ق.ا.س.ک، آیین‌نامه اجرایی موضوع این فصل از جمله نحوه بازرسی، تحقیق، ثبت استعلامات و وصول شکایات در ۱۴ شهریور ۱۳۹۵ به تصویب هیئت وزیران رسید که این آیین‌نامه با وجود نواقص در صدد تبیین نحوه رسیدگی در شورای رقابت بوده و طبق ماده ۱۸ آن، موارد سکوت قانون آیین دادرسی مدنی حاکم است.

۲.۲. نظام رسیدگی

صلاحیت رسیدگی به تخلفات موضوع ق.ا.س.ک به نهاد «شورای رقابت» در مقام رسیدگی بدوی و «هیئت تجدیدنظر» در مقام رسیدگی به درخواست تجدیدنظر، با اعضای اغلب دولتی محول شده است^۱. در میان اعضای شورا ۲ عضو قضایی (قاضی دیوان عالی کشور) وجود دارد که طبق ماده ۵۷ تصمیمات شورا در خصوص ماده ۶۱ این قانون (موضوع ضمانت اجراهای نقض مقررات) در صورتی اعتبار خواهد داشت که رأی حداقل یک قاضی عضو نیز در آن مثبت باشد. طرح شکایت می‌تواند از ناحیه هر شخص حقیقی یا حقوقی صورت پذیرد و به دلیل دارا بودن جنبه عمومی ارتکاب برخی اعمال ممنوعه در قانون، احراز ذی‌نفع بودن در طرح شکایت، همیشه نیاز نیست. با استناد به ماده ۶۰ قانون و مواد ۴ تا ۹ آیین‌نامه، انجام تحقیق و بازرسی پس از وصول و ثبت شکایت در دفتر شورا و بعد از اینکه شورا صلاحیت خود را احراز می‌نماید، با مجوز قاضی شورا صورت می‌پذیرد. طبق ماده ۶۳ اصلاحی، کلیه تصمیمات شورا ظرف بیست روز برای اشخاص مقیم ایران و دو ماه برای اشخاص مقیم خارج از تاریخ ابلاغ به ذی‌نفع صرفاً قابل تجدیدنظر در هیئت تجدیدنظر بوده و تصمیمات این هیئت قطعی است. در ترکیب اعضای هیئت تجدیدنظر ۳ عضو قاضی دیوان عالی کشور وجود دارد و رأی تجدیدنظر در مورد

۱. برای مشاهده توضیحات کامل در مورد شورای رقابت، ر.ک. علاءالدینی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰-۱۶۷

تصمیمات ماده ۶۱ باید متضمن موافقت حداقل دو عضو قاضی باشد. شایان توجه آنکه طبق ماده ۶۵ تصمیمات شورای رقابت جز در مورد بند ۱۲ ماده ۶۱ این قانون پس از ابلاغ به ذی‌نفع قابل اجرا است. البته محکوم‌علیه می‌تواند هم‌زمان با تجدیدنظرخواهی یا پس‌از آن تا زمان تصمیم‌گیری هیئت تجدیدنظر، توقف اجرای تصمیم شورای رقابت را تقاضا کند و هیئت تجدیدنظر فوراً به تقاضا رسیدگی کرده، می‌تواند با أخذ تأمین یا تضمین مناسب، دستور توقف اجرای تصمیمات شورای رقابت را صادر کند.

همان‌طور که بیان گردید در مقررات سازمان، کشورهای عضو اختلاف خود را در خصوص لغو یا نقصان منافعشان به سازمان محول خواهند کرد و متخصصان مستقل و آگاه بر اساس قواعد موافقت‌نامه‌های مورد بحث و تعهدات مربوطه اظهار نظر یا قضاوت خواهند نمود. این سیستم تشویق می‌نماید که دعاوی از طریق مشاوره حل شوند و در صورت عدم حصول موفقیت از طریق مشاوره، شاکی یک طرح منظم و دقیق مرحله به مرحله را طی خواهد کرد تا به رأیی از یک هیئت از متخصصان و یا از هیئت استینافی دست یابد.

مشاهده شده است تفاوت‌هایی میان مقررات ایران و سازمان در این مبحث وجود دارد که البته به نظر این تفاوت‌ها غیر از موارد مغایر با اصل ۱۳۹ قانون اساسی (در خصوص داوری در دعاوی اموال عمومی و دولتی) سبب تعارض و ایجاد مشکل نمی‌شود، چراکه در فرض الحاق ایران، موافقت‌نامه‌های سازمان از اعتبار قانون داخلی بهره‌مند هستند و به سبب مؤخرالتصویب بودنشان، حاکم خواهند بود.

۳.۲. ضمانت اجرا و عوارض جبرانی

همان‌طور که در بررسی موافقت‌نامه ضد دامپینگ بیان شد، پس از احراز قیمت‌شکنی، یکی از راه‌های مقابله با آن، ارائه چارچوبی برای تدوین قوانین ملی ضد قیمت‌شکنی و وضع عوارض متقابل در کشورهای عضو است. در این خصوص هرچند که نظام گمرکی کشور با وضع عوارض گوناگون و سنگین عملاً مانع ورود کالاهایی با بهای نازل‌تر از کالای مشابه ایرانی می‌شود و به همین دلیل در حال حاضر اقتصاد کشور ما در عمل اجازه تحقق قیمت‌شکنی را در معنای آنچه سازمان تبیین نموده است نمی‌دهد، لیکن به سبب آنکه الحاق ایران به سازمان مستلزم کاهش و تثبیت تعرفه‌های گمرکی (ماده ۲۸ گات) است، تبیین ضمانت اجرای قیمت‌گذاری تهاجمی ضروری می‌نماید.

موارد زیر به‌عنوان ضمانت اجرا در ق.ا.س.ک بیان شده است:

- برابر بند ۱ ماده ۶۱، دستور به فسخ هر نوع قرارداد، توافق و تفاهم متضمن رویه‌های ضد رقابتی؛ یعنی قیمت‌گذاری تهاجمی ناشی از یک قرارداد یا توافق باشد.

- برابر بند ۲ ماده ۶۱، دستور به توقف توافق طرفین یا توافق‌های مرتبط با آن از ادامهٔ رویه‌های ضد رقابتی موردنظر صادر می‌شود.
 - برابر بند ۱۲ ماده ۶۱، تعیین جریمهٔ نقدی از ده میلیون تا یک میلیارد ریال که بر اساس آیین‌نامهٔ جرائم نقدی مصوب ۱۸ فروردین ۱۳۹۵ هیئت وزیران، این مبالغ از دویست و سیزده میلیون و ششصد هزار ریال تا دو میلیارد و یکصد و سی و شش میلیون ریال تغییر کرده است.
- در کنار موارد موصوف که قانون‌گذار اختیار اعمال ضمانت اجراهای یادشده را به شورای رقابت (و هیئت تجدیدنظر) داده است، دو ضمانت اجرای دیگر به شرح زیر در قانون بیان شده که صلاحیت اعمال آن به مراجع قضایی اعطا گردیده است:
- برابر بند ۸ ماده ۶۱، صدور دستور استرداد اضافه درآمد و یا توقیف اموالی که از طریق ارتکاب قیمت‌گذاری تهاجمی تحصیل شده است.
 - برابر ماده ۶۶، اشخاص حقیقی و حقوقی خسارت دیده از رویه‌های ضد رقابتی یادشده در این قانون، می‌توانند حداکثر ظرف یک سال از زمان قطعیت تصمیمات شورای رقابت (یا هیئت تجدیدنظر) مبنی بر اعمال رویه‌های ضد رقابتی، به‌منظور جبران خسارت به دادگاه صلاحیت‌دار دادخواست بدهند، و بر اساس ماده ۶۷ نیز شورای رقابت می‌تواند در کلیهٔ جرایم موضوع این قانون، سمت شاکی داشته باشد و از دادگاه صلاحیت‌دار برای جبران خسارت واردشده به منافع عمومی درخواست رسیدگی کند.
- ملاحظه می‌شود در موارد صلاحیت شورا (بندهای ۱ تا ۳ پیش‌گفته) به‌عنوان مرجع اصلی و ویژه برای رسیدگی به نقض مقررات رقابت در ایران، علی‌رغم وجود ضمانت‌های اجرایی مازاد بر ضمانت اجرای موجود در موافقت‌نامهٔ ضد قیمت‌شکنی - اختیار اعمال وضع عوارض ضد قیمت‌شکنی - مشابه آنچه مقررات موافقت‌نامه مطرح کرده است، وجود ندارد^۱. ازسویی مشاهده گردید قانون‌گذار صلاحیت محکوم کردن متخلف به جبران خسارت را به مراجع قضایی اعطا نموده است که به نظر ما این اقدام اولاً به سبب عدم مطابقت کامل با مقررات موافقت‌نامه محل انتقاد است و ثانیاً با عدم اعطای این صلاحیت به مرجع رسیدگی اختصاصی (شورای رقابت)، هم سبب اطالهٔ دادرسی در احقاق حق متضرر(ان) خواهد شد و هم مغایر با فلسفهٔ مرجع اختصاصی برای رسیدگی به امور خاص است.

۱. شایان توجه است که ضمانت اجرای یادشده در بند ۳ پیش‌گفته، وضع عوارض در مقابل قیمت‌شکنی محسوب نمی‌شود، چراکه ضمانت اجرای مطروحه، اولاً یک نوع جریمهٔ نقدی است و ثانیاً مبالغ یادشده در محدوده‌ای تعیین شده و البته بسیار پایین بوده است و نمی‌تواند خسارات احتمالی در برخی از دامپینگ‌های عمده را جبران کند.

از جمله تفاوت‌های زیربنایی میان ضمانت اجرای جبران خسارت در ایران و عوارض جبرانی در سازمان، عبارت است از اینکه به دلیل جلوگیری از تبدیل شدن عوارض ضد قیمت‌شکنی به حمایت‌گری دائمی، موافقت‌نامه ضد دامپینگ دور اروگونه بررسی دوباره ادواری برای دوام یا خاتمه عوارض ضد قیمت‌شکنی را در ماده ۱۱(۴) منظور داشته و آن را به ۵ سال (با توضیحاتی که گذشت) مقید نموده است؛ در حالی که جبران خسارت موضوع بند ۸ ماده ۶۱ و ماده ۶۶ قانون اصلاح با توجه به اصول حقوقی، تعیین مبلغی مقطوع از ناحیه دادگاه (پس از جلب نظر کارشناس ذی‌صلاح) و محکومیت متخلف به آن و نیز در مقام جبران خسارات زیان‌دیده است و نه صرفاً مقابله با قیمت‌شکنی، و به لحاظ حقوقی شباهتی به وضع عوارض ضد دامپینگ در موافقت‌نامه ندارد.

در پایان، شایان توجه است که با وجود نواقص مطروحه در قانون ایران در مقایسه با مقررات سازمان در زمینه قیمت‌شکنی، مقررات کشور همانند موافقت‌نامه در زمینه‌های «طفره فریب‌کارانه» و «تولید در چند کشور به منظور فرار از قیمت‌شکنی» نیز دارای خلأ است که می‌تواند اسباب ورود زیان به اقتصاد ملی را فراهم سازد.

استثناها در مقررات سازمان جهانی تجارت

پس از تبیین مقررات قیمت‌شکنی در سازمان و ایران و نیز بیان موارد اختلاف و خلأهای موجود در مقررات ایران، شایان توجه است که از نقاط مثبت و مهم مقررات سازمان جهانی تجارت این است که علی‌رغم وجود مقررات و موافقت‌نامه‌هایی در زمینه رقابت (چون موافقت‌نامه ضد قیمت‌شکنی) و الزام به پذیرش و رعایت آن از سوی اعضا، قابلیت عدم اجرای این مقررات را به اعضا بنابه شرایطی - و البته به صورت موقت - اعطا کرده است. از جمله این قابلیت‌ها یا به عبارتی استثناهایی که در موافقت‌نامه گات و نیز سایر موافقت‌نامه‌ها جاری است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- برقراری ترتیبات منطقه‌ای میان کشورها و ترجیحات تجاری که پیش از موافقت‌نامه گات میان برخی کشورها منعقد شده است (ماده ۱ بند ۲ تا ۴)؛
- استثناهای عمومی (ماده ۲۰ گات) مانند اقدامات ضروری برای حراست از اخلاق عمومی، حفظ حیات یا سلامت انسان و حیوان و گیاه، اقدامات به عمل آمده به منظور حفظ گنجینه‌های ملی دارای ارزش هنری و تاریخی و نیز اقدامات مربوط به حفظ منابع طبیعی تمام‌شدنی و غیره؛
- استثناهای سیاسی (ماده ۳۵)؛

- استثناهای امنیتی (ماده ۲۱)، مانند اقدامات مغایر با امنیت ملی، دادوستد اسلحه، مهمات و ادوات جنگی و غیره؛
- معافیت از تعهدات^۱ که بر اساس بند ۳ ماده ۹ موافقت‌نامه تأسیس (مراکش)، در اوضاع و احوال استثنایی، کنفرانس وزیران می‌تواند تصمیم بگیرد تعهدی که موافقت‌نامه حاضر یا هر یک از موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه برعهده یک عضو قرار داده است لغو گردد، مشروط بر اینکه چنین تصمیمی با اکثریت سه‌چهارم اعضا اتخاذ شود؛
- استثناهای موجود در موافقت‌نامه حفاظت‌ها در باب تجویز محدودیت‌های کمی؛
- شرط توانمندسازی و رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه (تصمیم وزیران گات در ۱۹۷۹م) و نظام عمومی ترجیحات (GSP) که بر اساس آن به کشورهای توسعه‌یافته اجازه می‌دهد واردات کالاهای صنعتی و کشاورزی خاصی را بر مبنای ترجیحی و معاف از عوارض از کشورهای در حال توسعه انجام دهند. افزون بر موارد پیش‌گفته، به سبب آنکه فرایند الحاق به سازمان اساساً یک فرایند مذاکره است که طی آن شرایط عضویت در توافق اعضای سازمان با کشور متقاضی الحاق تعیین می‌شود و در این خصوص برخی از ضوابطی که سازمان برای عضویت قائل بوده (به‌صورت محدود)، منعطف و قابل‌چانه‌زنی است، در مجموع باید بیان کرد که علی‌رغم اختلافات موجود میان مقررات سازمان و ایران در زمینه قیمت‌شکنی، بنابه دلایل یادشده اختلافات و عدم مطابقت‌ها مانع الحاق ایران به سازمان نخواهد شد. هرچند که برنامه‌ریزی صحیح و منطقی برای رفع اختلافات پیش‌گفته باید به‌طور جدی در دستور کار دولتمردان قرار گیرد تا پس از الحاق (در بازه زمانی اخذشده در مذاکرات بابت تطبیق مقررات و نیز زمان مقرر برای کشورهای در حال توسعه) بتوان این موارد را رفع نمود؛ چراکه در اثر عدم رفع به‌موقع آن‌ها، دعاوی متعدد علیه کشور مطرح می‌شود و در نتیجه خسارات قابل ملاحظه‌ای به اقتصاد ملی وارد خواهد آمد.^۲

نتیجه

از آنجایی که سازگاری مقررات ملی با مقررات سازمان - از جمله مقررات مربوط به قیمت‌شکنی - که شرط مطابقت خوانده می‌شود از الزامات به‌شمار می‌آید، لذا ایران برای عضویت اولاً ناگزیر از

1. Waivers

۲. شایان ذکر است پس از الحاق به سبب اینکه موافقت‌نامه‌های سازمان در حکم قانون داخلی، و لازم‌الاجرا می‌شوند، عملاً برخی از تعارضات و اختلاف‌ها با حاکم شدن موافقت‌نامه‌ها (به سبب موخرالتصویب بودن) موضوعاً منتفی خواهد شد.

پذیرفتن اصول و مقرراتی است که در موافقت‌نامه‌های سازمان انعکاس یافته است و ثانیاً می‌باید مقررات داخلی خود را با این اصول و موافقت‌نامه‌ها همخوان نماید.

در این باره با تبیین نظام حقوقی حاکم بر سازمان و ایران در زمینه قیمت‌شکنی، هرچند موارد ناهمخوان و متفاوت مشاهده گردید، لیکن به سبب وجود استثنایها در مقررات سازمان در قالب استثنایهای عمومی، سیاسی و امنیتی از یک سو، و معافیت از تعهدات، استثنایهای موجود در موافقت‌نامه حفاظت‌ها در باب تجویز محدودیت‌های کمی و شرط توانمندسازی و رفتار ویژه با کشورهای درحال توسعه از سوی دیگر، اصولاً تعارضات و اختلافات یادشده مانعی بر جریان الحاق ایران به سازمان نیست. افزون بر این، فرایند الحاق به سازمان اساساً یک فرایند مذاکره است که طی آن، شرایط عضویت در توافق اعضای سازمان با کشور متقاضی تعیین می‌شود و در این خصوص برخی از ضوابطی که سازمان برای عضویت قائل بوده، منعطف و قابل چانه‌زنی است.

درنهایت، حال که قانون‌گذار مقرراتی در زمینه قیمت‌شکنی وضع نموده است، اصلاح مقررات مربوطه از جمله در خصوص مرجع رسیدگی و حدود صلاحیت‌های آن، وضع عوارض جبرانی و شرایط مرتبط با آن در راستای تطبیق بیشتر مقررات موجود با مقررات سازمان جهانی تجارت - به شرحی که گذشت - پیشنهاد می‌شود تا با برنامه‌ریزی صحیح و منطقی برای رفع اختلافات موجود پس از الحاق، در بازه زمانی مقرر برای کشورهای درحال توسعه گام شایسته برداشته شود؛ چراکه در اثر رفع نشدن به‌موقع آن‌ها، امکان دعاوی متعددی علیه کشور و در نتیجه ورود خسارات قابل ملاحظه به اقتصاد ملی وجود خواهد داشت.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. دژم‌خوی، غزاله و مرادپور، فرزاد (۱۳۸۵)، موافقت‌نامه‌های ضد قیمت‌شکنی (دامپینگ)، و حفاظت‌ها، سازمان جهانی تجارت؛ ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها، مجموعه آموزشی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۲. صادقی، محسن (۱۳۸۴)، روش‌های حقوقی مقابله با دامپینگ، چ ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۳. علاءالدینی، امیرعباس (۱۳۹۱)، حقوق رقابت در آیینة تحولات تقنینی، تهران: مجد.
۴. علاءالدینی، امیرعباس (۱۳۹۴)، موانع الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت از منظر حقوق رقابت، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
۵. فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۱)، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، ج ۱، چ ۱، نشر البرز.

۶. قانون اصلاح قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۷.
۷. لوفلد، آندریاس اف (۱۹۳۰)، حقوق بین‌الملل اقتصادی، مترجم: محمد حبیبی مجنده، تهران: جنگل.
۸. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۸۰)، «بررسی‌های بازرگانی، دامپینگ تبعیض در قیمت‌ها در بازرگانی خارجی است»، شماره ۱۷۱.

(ب) خارجی

9. Alford, William (1987) When is China Paraguay? An Examination of the Application of Anti –Dumping and Countervailing Duty Laws of the united states to China and other ‘Nonmarket Economy’ Nation, Southern California L. Rev.
10. Alston Philip, Lowe Vaughan (2005) The WTO Anti-Dumping Agreement, Oxford Commentaries on International law., Oxford University Press.
11. Analytical Inventory of Problems and Issues Arising under the Anti – Dumping Code, GATT Doc. No. COM AD/W/68 (8March 1977), List of Priority Issues in the Anti – Dumping Field: Note by the Chairman, GATT Doc. No. COM AD/W/77(10 Apr 1978).
12. European Communities –(22 July 2003). Anti Dumping Duties on Malleable Cast Iron Tube or Pipe Fitting from Brazil, WT/DS219/AB/R
13. Horlick, Gary N. and Shea, Eleanor C (1995) "The World Trade Organization Anti-Dumping Agreement", 29 Journal of World Trade, (5).
14. Lowenfeld, A. F, International economic law, London: Oxford University Press, 2008.
15. Palmeter N.David (2002), "Dumping Margins and material Injury", Journal of world Trade Law, vol.21,
16. The agreement on subsidies and countervailing measures (SCM).
17. The agreement on implementation of article VI of GATT (Antidumping Agreement).
18. New Man. Peter.(1998), Palgrave dictionary of Economics and Law. Vol. 1.
19. Van Den Bossche Peter (2007) The Law and Policy of the World Trade Organization,.
20. Venir, Jacob (1996), Dumping: A Problem in International Trade, New York: M.Kelly publisher.
21. Wilcox, Clair, A Charter for World Trade, 1949, repr. 1972, by <https://www.foreignaffairs.com/reviews/capsule-review/1949-07-01/charter-world-trade.2018/10/14>.
22. William Adams Brown, Jr. (1950), The United States and the Restoration of World Trade, n. 7 supra, Washington, D.C: Brooking Institution.